

از مکاتیب خصوصی مرحوم فروغی

اسلامبول - ۸ بهمن ۱۳۰۶ - ۲۹ ژانویه ۱۹۲۸

## مسئله تأمین حدود ایران و ترکیه محل سفارت ایران در آنقره

اطلاعاً عرض میشود

پس از مراجعت از آنقره به اسلامبول در اوایل آذر ماه ارسال راپرت مفصل بطهران تقریباً دو هفته در اسلامبول اقامت کردم و در این مدت با ممدوح شوکت بك که در آنقره بود مکاتبه داشتم که بینم چه باید کرد بالاخره فکر کردم که حالا چون از طرف دولت اختیار دارم در مسائلی که محل علاقه ترکهاست گفتگو کنم شاید بهتر بتوانم بمقصود خودمان موفق شوم و عقیده دولت هم همین بود بنابراین باز با آنقره رفتم و يك ماه و نیم آنجا توقف نمودم. از این مدت تقریباً يك ماه اول بکلی بیکار بودم زیرا که توفیق رشدی بك که در جلسه اول ملاقات و عده داد نظریات خودشانرا در باب تأمین حدود بصورت يك لایحه پیشنهادی در ظرف دوسه روز بدهد بعد از يك ماه داد و سبب عمده آن این بود که دولت ترکیه ترتیب ادلاره و لایات شرقی یعنی نواحی مجاور سرحد ایران را تغییر داده و اخیراً از نظامی مبدل بژاندارمری کرده و ناچار میبایست در مطالعات خود تجدیدی بعمل آورده و نظریات ادارات کشوری یعنی وزارت داخله و اداره ژاندارمری و غیرها را هم جلب نمایند باری پس از يك ماه لایحه خود را دادند و عین آنرا بضمیمه ملاحظات خودم مفصلاً راپرت کرده بطهران خواهم فرستاد عجلاله بك مطلب هست که در اظهار آن عجله دارم و مقدم بر هر چیز جلب توجه اولیای امور را باید بکنم و آن اینست که در این نوبت چون در باب سرحد و بولوغباشی باز داخل در مذاکره شدم هر چند اوایل امر همان عناوین سابق تجدید میشد ولیکن تفاوت احوال محسوس بود و بالاخره کاملاً مطمئن شدم که ما خواهیم توانست در این باب موافق منظور خود موافقت حاصل نمایم ولیکن مسئله معلق به پیش آمد کار آغری داغ و طائفه جلالی است که چنانکه سابقاً توضیح داده ام ترکها باین مسئله

فوق العاده اهمیت میدهند بعلاوه برای عصمت پاشای رئیس الوزرا کلیه تصفیه حدود و عمل اکراد مسئله حیاتی است و اگر موفق نشود بی آبرو خواهد شد و هرگاه دولت ایران در مساعدت برای حصول این مقصود مضایقه کند کینه ما را در دل خواهد گرفت و روابط دولتن بسیار تیره خواهد شد و اقل مسائل اینست که قضیه سرحد لاینحل میماند و فعلاً تا وقتیکه همکاری بین دولتن قرارش گذاشته نشده بر دولت ایران واجب است که بهر قسم باشد از جلالیها جلو گیری کند و بواسطه دور کردن آنها از سرحد یا تدابیر دیگر اهتمام بعمل آورد که در این بهار و تابستان از طرف جلالیهای ایران یا اتباع ترکی که بایران آمده باشند تعرض و صدمه بترکها و ترکیه وارد نیاید اگر انشاء الله این مقصود حاصل شود و بعد در باب همکاری دولتن در تأمین حدود موافقت حاصل گردد امیدواری کامل دارم که منظور ما بعمل خواهد آمد و روابط بسیار صمیمانه و دوستانه خواهد شد پس عجزاً مقصودم از تصدیح همین است که اولاد را بابت امنیت حدود خاصه جلو گیری از جلالیها آنچه لازمه اهتمام باشد باید بعمل آورد ثانیاً در باب سرحد و بولغباشی دولت میتواند محکم بایستد و استقامت را از دست ندهند انشاء الله نتیجه مطلوبه بدست می آید در ظرف این مدتی که بنده در ترکیه بوده ام احساسات خیلی تفاوت کرده و حتی نظامی هام که عنصر مخالف و مانع بزرگ بودند نرم شده اند راپرت تفصیلی مطالب را ان شاء الله عنقریب ارسال خواهم داشت .

عرض دیسگر راجع بخانه و منزل است در آنقره این اوضاع حالیه که نماینده دولت ایران در آنجا باید در میهمانخانه منزل کند با بدی میهمانخانه های آنقره خیلی بد است و بنده اگر باز بنا شود بآنقره بروم و میهمانخانه منزل کنم خیلی بر من ناگوار خواهد بود که اسباب وهن و خفت است و نباید میهمانخانه های آنقره را قیاس بمهمانخانه های فرنگستان و اسلامبول و حتی میهمانخانه های خوب طهران بفرمایند تمنای خاص دارم که در این باب اهتمام مخصوص بفرمائید کار هم خیلی مشکل نیست حالا دولت ترکیه از مسئله مبادله خانه آنقره با پارك امین الدوله منصرف شده اند و خیالات دیگر دارند که ممدوح شوکت بك چون بطهران بیاید اظهار خواهد کرد و عجزاً دولت ترکیه حاضر است که خانه را که برای ما معین کرده بلاعوض بدولت ایران بدهد تا بعد در باب محل سفارت ترکیه در طهران ترتیبی با دولت داده

شود عقیده بنده اینست که با قای ساعدا اجازه بدهید آن خانه را از دولت ترکیه تحویل بگیرد جزئی مساعدتی هم در باب مخارج و اناثیه بفرمائید که هر چه زودتر سفارت ما در آنقره از لامکانی بیرون آید و ساعد بیچاره هر وقت با آنقره می رود در مهمانخانه ها و یلان نباشد بنده هم اگر یکدفعه دیگر آنقره رفتنی باشم این خفت را نکشم برای دولت هم اگر صرفه نداشته باشد ضرر نخواهد داشت .

تمنی دارم در این باب و در تعیین تکلیف تلگرافاً اهتمام و تسریع بفرمائید. ممدوح شوکت یک تقریباً یک ماه دیگر طهران خواهد بود .



ر اپرت بر رئیس الوزراء

آنقره ۸ خرداد ۱۴۰۷

اگر بخاطر محترم مانده باشد چندی قبل بر حسب اعلام توفیق رشدی بك عرض کردم يك نفر از رجال عراق بانقره خواهد آمد که با دولت ترکیه در باب روابط خودشان داخل مذاکره شود و خوبست بنده از نظریات دولت در باب روابط ایران و عراق مستحضر باشم که اگر صحبت پیش آید بدانچه بگویم جوابی هم تلگراف شده بود اما قدری در کشف آن نقص بود و اساساً هم جواب برای مقصود بنده وافی نبود اینک خاطر محترم را مستحضر میدارد که آن شخص چندی است آمده است صییح نزهت بك نام دارد هر چند عراقی است ولیکن بمناسبت آنکه سابقاً عراق جزء دولت عثمانی بود صاحب منصب عثمانی بوده است علاوه بر ترکی و عربی که زبان خود او محسوب میشود فرانسه و انگلیسی و فارسی هم حرف میزند و آدم با فهمی است در عراق وزیر و وکیل هم بوده است ابتدا روزی که در اسلامبول مهمان سفیر انگلیسی بودم آنجا بود و با هم آشنا شدیم و همانروز سفیر انگلیس بنده گفت آشنائی شما با این شخص مفید است و شاید مذاکرات خصوصی شما با او در باب اصلاح روابط ایران و عراق مؤثر شود حالا که با آنقره آمده ام او هم در آنقره است با بنده هم طرح خصوصیت ریخته و آمد و شد میکنیم بنده را مهمان هم کرده است زن و بچه اش اینجا هستند و بطور فامیلی با بنده رفتار می کنند گاه گاه صحبت از عراق و ایران و دوستی و برادری و یگانگی هم میکند از مسائل مبتلابها تا بحال آنچه گفتگو کرده است راجع باین بوده است که بنده را معتقد سازد که دولت ایران نباید برای ایرانیها در عراق مزایای

قضائی بخواهد و ماحصل حرف او اینست که اولاً مزایای قضائی در عراق راجع بهمه دول نیست. فقط انگلیسیها و فرانسویها و ایتالیائیها (و شاید یکی دو دولت دیگر که فراموش کرده‌ام) دارای آن هستند آن مزایا هم منحصر باینست که دعاوی آنها در محکمهٔ مختلطی معاکمه میشود مرکب از دو قاضی انگلیسی و دو قاضی عراقی در تحت ریاست یک انگلیسی و این کیفیت را حتی ما برای آلمانها و امریکائیها قائل نشده‌ایم ترکها هم اصرار نخواهند کرد اگر دولت ایران جد کند که این مزیت را دارا شود نتیجه فقط يك ضرر فاحشی برای ما خواهد بود باین معنی که اتباع سایر دولی که دارای این مزیت هستند در عراق معدودند و برای رفع حاجت آنها عده معدودی قضاة انگلیسی کافی است اما اتباع ایران بسیارند و عدهٔ کثیری قضاة لازم خواهیم داشت و این اولاً خرج گزاف برای ما دارد و شما میدانید که قضاة انگلیسی چه مواجبهای گزاف میگیرند ثانیاً ما را بیشتر در چنگ انگلیسیها گرفتار میکند در صورتیکه حق اینست که ایران ساعی باشد که ماز دست انگلیسیها زودتر خلاص شویم و انگلیسیها خودشان حرفی ندارند بلکه ما را ترغیب می‌کنند که تکلیف دولت ایران را قبول کنیم اما شما باید دلناتان بیشتر برای ما بسوزد.

بنده در این باب مخصوصاً با توفیق رشدی بك گفتگو کردم که بدانم نظر دولت ترك چیست گفت ما اساساً با کاپیتولاسیون برای هر دولتی باشد مخالفیم چنانکه دیدید در جواب شما راجع بالغای کاپیتولاسیون در ایران چه احساسات موافقت آمیزی نشان دادیم اما مادام که در يك مملکتی نسبت بیکی از اتباع خارجه مزایائی برقرار باشد ما هم آنرا برای خود می‌خواهیم چنانکه اشکال ما در الغای کاپیتولاسیون در ایران نسبت بخودمان باین نظر بود که دیگران داشتند نه این بود که ما طالب آن بودیم و حالا که نسبت بدیگران موقوف کردید ما هم با کمال مسرت قبول می‌کنیم در عراق هم همینطور است و مادام که دیگری آنجا مزایائی دارد ما هم خواهیم داشت و دست بر نمیداریم زیرا که اگر نداشته باشیم آنوقت این خود نسبت بما کاپیتولاسیون وارونه است و من بعد ما تفوق ملل مغرب را بر خودمان زیر بار نمیرسیم بسا مصر هم همین اشکال را داریم و قبول نخواهیم کرد.